

Cognitive Therapy on Emotion Regulation and Marital Satisfaction in Maladjusted Women in the First Decade of Marriage

Masumi Tabar Z¹, *Afsharriniya K², Amiri H², Hosseini SA²

Author Address

1. PhD Student, Department of Psychology and Counseling, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran;

2. Assistant Professor, Department of Psychology and Counseling, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.

*Corresponding Author E-mail: K.afsharineya@iauksh.ir

Received: 2020 February 4; Accepted: 2020 April 11

Abstract

Background & Objectives: marital conflicts generate psychological symptoms, such as anxiety and depression in couples and could collapse the marital life. Resolving a couple's conflicts depends on their personality traits. In this regard, cognitive couple therapy uses cognitive and behavioral strategies and life skills training to enhance couples' explicit behavior and interaction. This goal is achieved by modifying their thoughts, expectations, interpretations, and responses. In addition to cognitive restructuring, this approach employs various behavioral interventions to enhance couples' coping skills. In other words, cognitive couple therapy simultaneously emphasizes the role of cognitive and behavioral processes. It also provides an opportunity for couples to learn the necessary methods to identify and modify their destructive thoughts and behaviors. Subsequently, they could use them when coping with various issues. The present study aimed to determine the effects of cognitive therapy on emotion regulation problems and marital satisfaction in the first decade of marriage.

Methods: This was a quasi-experimental study with a pretest-posttest and a control group design. In total, 30 married individuals who scored lower than the average in the Emotion Regulation Questionnaire (Graz, 2004) and Marital Satisfaction (Olson, 1989) were selected as the study samples. Accordingly, they were randomly assigned to two groups of control and cognitive therapy. Then, the experimental group couples participated in ten 120-minute sessions of cognitive therapy. One month after the intervention, the groups completed the posttest questionnaire. The obtained data were analyzed using one-way Analysis of Variance (ANOVA) and Multivariate Analysis of Covariance (MANCOVA) by SPSS.

Results: The present study findings suggested that cognitive therapy increased marital satisfaction ($p < 0.001$) and emotion regulation ($p < 0.001$) in the experimental group.

Conclusion: The collected data revealed that cognitive therapy increased marital satisfaction and emotion regulation and its components in women with marital maladjustment. Therefore, cognitive therapy approach could be used to improve emotion regulation and marital satisfaction among couples and individuals with marital maladjustment in counseling and psychotherapy centers.

Keywords: Cognitive therapy, Emotion regulation, Marital satisfaction.

اثربخشی شناخت درمانی بر مشکلات تنظیم هیجانی و رضایت زناشویی بانوان ناسازگار در دهه اول زندگی

زینب معصومی تبار^۱، *کریم افشاری نیا^۲، حسن امیری^۲، سعیده السادات حسینی^۲

توضیحات نویسندگان

۱. دانشجوی دکتری مشاوره، گروه روان‌شناسی و مشاوره، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران؛

۲. استادیار، گروه روان‌شناسی و مشاوره، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

*رأبانا نامه نویسنده مسئول: Kafsharineya@iauksh.ir

تاریخ دریافت: ۱۵ بهمن ۱۳۹۸؛ تاریخ پذیرش: ۲۳ فروردین ۱۳۹۹

چکیده

زمینه و هدف: سازگاری زناشویی باتوجه به اهمیت نهاد خانواده و تأثیرگذاری آن بر جنبه‌های مختلف از جمله سلامت جسمی و روانی مدنظر قرار گرفته است. پژوهش حاضر با هدف تعیین اثربخشی شناخت درمانی بر مشکلات تنظیم هیجانی و رضایت زناشویی بانوان ناسازگار در دهه اول زندگی، انجام شد.

روش بررسی: این مطالعه نیمه آزمایشی از نوع پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه گواه بود. جامعه آماری پژوهش را تمامی زنان دارای ناسازگاری زناشویی مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره و خدمات روان‌شناختی شهر اندیشه در سال ۱۳۹۷ تشکیل دادند که در دهه اول زندگی زناشویی قرار داشتند. از بین آن‌ها تعداد سی نفر که در پرسشنامه تنظیم هیجان (گراتس، ۲۰۰۴) و رضایت زناشویی (اولسون، ۱۹۸۹) یک انحراف معیار کمتر از میانگین کسب کردند به‌روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده و به‌صورت تصادفی در دو گروه گواه و شناخت درمانی (هر گروه پانزده نفر) جایگزین شدند. سپس زوجین گروه آزمایش در ده جلسه ۱۲۰ دقیقه‌ای در دوره شناخت درمانی شرکت کردند. یک‌ماه بعد از اتمام مداخلات، گروه‌ها پرسشنامه مذکور را در پس‌آزمون تکمیل نمودند. داده‌ها با روش تحلیل کوواریانس تک و چندمتغیری توسط SPSS نسخه ۲۲ تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که شناخت درمانی موجب افزایش رضایت زناشویی ($p < 0/001$) و تنظیم هیجان ($p < 0/001$) در شرکت‌کنندگان گروه آزمایش شده است.

نتیجه‌گیری: مطالعه حاضر مشخص کرد که شناخت درمانی باعث افزایش رضایت زناشویی و تنظیم هیجان و مؤلفه‌های آن در زنان دارای ناسازگاری زناشویی می‌شود؛ بنابراین می‌توان از رویکرد درمان شناختی در جهت افزایش تنظیم هیجانی و رضایت زناشویی در بین زوجین و افراد دارای ناسازگاری زناشویی در مراکز مشاوره و روان‌درمانی استفاده کرد.

کلیدواژه‌ها: شناخت درمانی، تنظیم هیجانی، رضایت زناشویی.

رابطه زناشویی به عنوان رابطه مهم تر و اساسی تر انسان توصیف شده است؛ زیرا ساختاری اولیه را برای بنانهادن رابطه خانوادگی و تربیت فرزندان فراهم می‌سازد (۱). در این بین، تعارضات زناشویی بر علائم روانی زوجها همچون اضطراب و افسردگی تأثیر می‌گذارد و می‌تواند سبب فروپاشی زندگی زناشویی شود (۲). از آنجاکه نحوه حل تعارضات زوجین، به خصوصیات شخصیتی آنها بستگی دارد، از مسائل بسیار عمده که در این زمینه به آن توجه می‌شود، کسب مهارت‌های ارتباطی با یکدیگر و رضایت زناشویی است (۳). در این میان، رضایت زناشویی با توجه به اهمیت نهاد خانواده و تأثیرگذاری آن بر جنبه‌های مختلف از جمله سلامت جسمی و روانی مدنظر قرار گرفته است (۴).

عوامل متعددی در بروز رضایت زناشویی نقش دارد و چگونگی رابطه بین همسران یکی از این عوامل است. در واقع، رضایت زناشویی جنبه‌ای بسیار مهم و پیچیده از رابطه‌ای زناشویی بوده که مفهومی کلی و محصول نحوه ادراک شناختی و عاطفی فرد از کل زندگی است؛ همچنین به ارزیابی کلی ذهنی فرد از رابطه زناشویی و میزان برآورده شدن نیازها و خواسته‌ها و آرزوهای شخصی و زوجی اشاره دارد (۵). افراد دارای رضایت زناشویی بیشتر، هیجان‌های مثبت فراوان‌تری را تجربه می‌کنند و از گذشته و آینده خود و دیگران، رویدادهای مثبت بیشتری را به یاد می‌آورند؛ همچنین از پیرامون خود ارزیابی مثبت‌تری دارند و آنها را خوشایند توصیف می‌کنند (۶)؛ درحالی‌که افراد دارای رضایت زناشویی کم، خود، گذشته، آینده، دیگران و نیز رویدادها و موقعیت‌های زندگی خود را نامطلوب ارزیابی کرده و هیجان‌های منفی مانند اضطراب و افسردگی بیشتری را تجربه می‌کنند (۷).

یکی دیگر از جنبه‌های زندگی زناشویی و روابط زناشویی هیجانات تجربه‌شده توسط زوجها بوده که توانایی تنظیم هیجان در این امر بسیار مؤثر است (۸). تنظیم هیجان شامل همه راهبردهای آگاهانه و غیرآگاهانه می‌شود که برای افزایش حفظ و کاهش مؤلفه‌های هیجانی و رفتاری و شناختی در پاسخی هیجانی به کار می‌رود. پاسخ‌های هیجانی، اطلاعات مهمی درباره تجربه فرد در ارتباط با دیگران فراهم می‌کنند (۹). با این اطلاعات انسان‌ها یاد می‌گیرند که در مواجهه با هیجانات چه واکنشی نشان دهند، چگونه تجارب هیجانی خود را به صورت کلامی بیان کنند، چه راهکارهایی را در پاسخ به هیجانات به کار برند و در زمینه هیجانات خاص چگونه با دیگران رفتار کنند؛ بنابراین اگر فرد در تنظیم هیجان مشکلاتی داشته باشد و به خوبی نتواند هیجانات خود را مدیریت کند، در روابط دچار مشکلاتی می‌شود (۱۰).

در همین راستا، درمان شناختی با استفاده از راهبردهای شناختی و رفتاری و آموزش مهارت‌های زندگی تلاش می‌کند تا رفتار آشکار و شیوه تعامل زوجین را از طریق تغییر افکار، انتظارات، تعبیر و تفسیرها و شیوه‌های پاسخ‌دهی آنها تغییر دهد (۱۱). این رویکرد علاوه بر بازسازی شناختی از انواع مداخله رفتاری برای تقویت مهارت‌های مقابله‌ای زوجین استفاده می‌کند. درواقع زوج‌درمانی شناختی به‌طور

هم‌زمان بر نقش فرایندهای شناختی و رفتاری تأکید کرده و فرصتی را فراهم می‌آورد تا زوجین بتوانند شیوه‌های لازم را برای شناسایی و اصلاح افکار و رفتارهای خودتخریبگر بیاموزند و در آینده به‌هنگام رویارویی با مسائل مختلف از آنها استفاده کنند (۱۲). نتایج پژوهش شوستری و همکاران نشان داد که درمان شناختی رفتاری گروهی بر تنظیم هیجان و باورهای فراشناختی و نشخوار فکری زنان مطلقه مؤثر است (۱۳). گلدین و همکاران در پژوهشی دریافتند که درمان شناختی رفتاری در بهبود تنظیم هیجانی و اضطراب اجتماعی تأثیر دارد (۱۴). نتایج پژوهش قوامی و همکاران حاکی از آن بود که درمان شناختی رفتاری بر رضایت زناشویی زنان حامله با ترس از تولد فرزند مؤثر است (۱۵). همچنین نتیجه پژوهش شکرالله‌زاده و همکاران نشان داد که رویکرد زوج‌درمانی شناختی رفتاری بر تعارض و دل‌زدگی زناشویی زوجین اثر می‌گذارد (۱۶).

ضرورت پژوهش حاضر از آن جهت بود که رابطه زناشویی اگر با احساس رضایت و شادی و نشاط همراه باشد، تأثیر خوبی بر سلامت روان زوجین دارد و می‌توان گفت کیفیت رابطه زناشویی و ابعاد مختلف آن از عوامل بسیار مهم پایداری زندگی مشترک است. اگر زوجین بتوانند سطح رضایت و شادی را در زندگی زناشویی خود افزایش دهند، علاوه بر حفظ رابطه زوجی بنیان خانواده‌شان را از آسیب محفوظ می‌دارند؛ باین‌وجود، احساس زوجین به رابطه زناشویی‌شان با گذشت زمان دستخوش تغییر می‌شود و معمولاً آنها در ابتدای زندگی مشترک شادی و به‌طور کلی احساسات مثبت بیشتری از یکدیگر تجربه می‌کنند. بدیهی است که با گذشت زمان و مواجهه شدن با چالش‌های مختلف زندگی زناشویی، می‌تواند از میزان این احساسات مثبت کاسته شود و مهم‌تر آنکه ممکن است زوجین مهارت‌های لازم را برای بهبود کیفیت رابطه زناشویی نداشته باشند؛ بنابراین این امر با مشاوره زناشویی و به‌کارگیری مداخلات مؤثر تسهیل می‌شود. به عبارت دیگر زوج‌درمانی می‌تواند راه‌حل مناسبی برای هرچه لذت‌بخش‌تر کردن ارتباط زوجین با یکدیگر و احیای احساسات مثبت آنها درقبال یکدیگر و رابطه‌شان باشد.

باتوجه به این امر که دو متغیر رضایت زناشویی و تنظیم هیجان در روابط همسران بسیار مؤثر بوده و می‌تواند رفتار فرد را تحت تأثیر قرار دهد و اگر این متغیرها دارای مطلوبیت کافی نباشد موقعیت زندگی زناشویی را دچار مشکل می‌کند، ضرورت دارد که در راستای ارتقای کیفیت زندگی زناشویی و بهبود روابط زوجین این متغیرها بیشتر مدنظر قرار گیرد؛ همچنین عوامل مؤثر بر این متغیرها شناسایی شده و در زمینه برنامه‌ریزی مناسب برای ارتقای کیفیت زندگی زناشویی از آنان استفاده شود؛ بنابراین هدف پژوهش حاضر، تعیین اثربخشی شناخت‌درمانی بر مشکلات تنظیم هیجانی و رضایت زناشویی بانوان در دهه اول زندگی بود.

۲ روش بررسی

روش پژوهش حاضر از نوع نیمه‌آزمایشی و طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه آزمایش و گروه گواه بود. جامعه آماری پژوهش را

۰/۷۵، ۰/۷۴، ۰/۷۶، ۰/۴۸، ۰/۷۷، ۰/۷۲ و ۰/۷۱ بود (۱۷). در پژوهش ضیایی و همکاران، ضریب آلفای نسخه فارسی خرده‌مقیاس‌های این پرسشنامه از ۰/۶۸ (برای نقش‌های مساوات‌طلبی) تا ۰/۸۶ (برای رضایت زناشویی) با میانگین ۰/۷۹ به‌دست آمد. اعتبار بازآزمایی پرسشنامه در فاصله چهار هفته بین ۰/۷۷ (برای فعالیت‌های اوقات فراغت) تا ۰/۹۲ (برای روابط جنسی و تحریف آرمانی) با میانگین ۰/۸۶ بود (۱۸).

— پرسشنامه اختلالات تنظیم هیجانی^۲ (گراتس، ۲۰۰۴): پرسشنامه اختلالات تنظیم هیجانی توسط گراتس (۲۰۰۴) تهیه شد که برای ارزیابی بدتنظیمی هیجانی به‌شکل جامع‌تری درمقایسه با ابزارهای موجود در این زمینه ساخته شده است (۱۹). دارای ۳۶ ماده و سه خرده‌مقیاس شامل کنترل هیجان و هیجان مثبت و هیجان منفی است. نمرات بیشتر، دشواری‌های فراوان‌تر را در تنظیم هیجانات نشان می‌دهد. این ابزار به‌صورت چهارگزینه‌ای از نوع لیکرت است (۱=هرگز و ۴=همیشه) که به هریک از ۱ تا ۴ امتیاز داده می‌شود. دامنه نمرات بین ۳۶ تا ۱۴۴ قرار دارد. گراتس اعتبار پرسشنامه را ۰/۹۳ و پایایی آن را به‌روش آلفای کرونباخ ۰/۸۰ گزارش کرد (۱۹). پایایی نسخه فارسی این پرسشنامه توسط مظاهری با دو روش آلفای کرونباخ و تنصیف محاسبه شد و به‌ترتیب برابر با ۰/۸۶ و ۰/۸۰ بود که بیانگر ضرایب پذیرفتنی پرسشنامه تنظیم هیجانی است؛ همچنین برای اعتبار پرسشنامه تنظیم هیجانی، نمره آن با نمره پرسشنامه هیجان‌خواهی ذاکر من همبسته شد و نشان داد همبستگی مثبت معناداری بین آن‌ها وجود دارد. این مطلب بیانگر برخورداری پرسشنامه تنظیم هیجانی از اعتبار لازم است ($p=0/43$ ، $R=26\%$ ، $N=59$) (۲۰).

محتوای جلسات درمان شناختی براساس روش استوارت و همکاران (۲۱) در ده جلسه ۹۰ دقیقه‌ای به‌صورت یک‌بار در هفته، به‌طورگروهی و در مرکز مشاوره و خدمات روان‌شناختی شهر اندیشه انجام پذیرفت و روایی محتوای آن تأیید شده است. جلسات درمان شناختی توسط پژوهشگر اول این مطالعه اجرا شد. محتوای جلسات درمان شناختی در جدول ۱ آمده است.

داده‌ها با استفاده از روش‌های آمار توصیفی مانند میانگین و انحراف معیار، آمار استنباطی به‌روش تحلیل کوواریانس چندمتغیره، آزمون تعقیبی بونفرونی و نیز نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲ تجزیه و تحلیل شد. جهت بررسی پیش‌فرض نرمال‌بودن آزمون تحلیل کوواریانس، آزمون شاپیرو-ویلکز و جهت بررسی همگنی واریانس‌ها، آزمون لون و همگنی شیب‌های رگرسیون به‌کار رفت. سطح معناداری آزمون‌ها ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

جدول ۱. خلاصه جلسات درمان شناختی

جلسات	اهداف و محتوای جلسات
اول	آشنایی اعضای گروه با یکدیگر و با قوانین گروه، بیان اهداف جلسات، امضای قرارداد رفتاری توسط اعضا، برقراری ارتباط، آشنایی مختصر با شناخت درمانی، برگزاری پیش‌آزمون.
دوم	بررسی مفاهیم افکار خودکار، طرحواره‌ها و تحریف‌های شناختی، معرفی الگوی A-B-C، تأثیر افکار و باورها و طرحواره‌ها بر

تمامی زنان دارای ناسازگاری زناشویی مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره و خدمات روان‌شناختی شهر اندیشه در سال ۱۳۹۷ تشکیل دادند که در دهه اول زندگی زناشویی قرار داشتند. برای انتخاب آزمودنی‌های پژوهش، تعداد سی نفر از زنانی که در پرسشنامه‌های تنظیم هیجان (گراتس، ۲۰۰۴) و رضایت زناشویی (اولسون، ۱۹۸۹) یک‌انحراف معیار کمتر از میانگین کسب کردند به‌روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده و به‌صورت تصادفی در دو گروه گواه و شناخت درمانی جایگزین شدند. تعداد نمونه لازم براساس مطالعات مشابه با در نظر گرفتن اندازه اثر ۰/۴۰، سطح اطمینان ۰/۹۵، توان آزمون ۰/۸۰ و میزان ریزش ۱۰ درصد برای هر گروه پانزده نفر محاسبه شد. ملاک‌های ورود عبارت بود از: دچاربودن به تعارض خانوادگی؛ قراردادن در بازه سنی ۱۸ تا ۴۵ سال؛ رضایت کامل افراد؛ نداشتن اختلال روانی؛ دریافت نکردن مداخلات روان‌شناختی هم‌زمان؛ بودن در دهه اول زندگی زناشویی. ملاک‌های خروج شامل غیبت بیشتر از دو جلسه و اعلام نارضایتی از شرکت در جلسات بود. ملاحظات اخلاقی پژوهش حاضر به‌شرح زیر بود: ۱. تمامی افراد به‌صورت شفاهی، اطلاعاتی درباره پژوهش دریافت کرده و در صورت تمایل در پژوهش مشارکت کردند؛ ۲. این اطمینان به افراد داده شد که تمام اطلاعات محرمانه هستند و برای امور پژوهشی استفاده خواهند شد؛ ۳. به‌منظور رعایت حریم خصوصی، نام و نام‌خانوادگی شرکت‌کنندگان ثبت نشد. ضمناً به افراد گفته شد که در هر مرحله از پژوهش می‌توانند از ادامه حضور انصراف دهند.

— پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ^۱ (فاورز و اولسون، ۱۹۸۹): این پرسشنامه در سال ۱۹۸۹ توسط فاورز و اولسون تهیه شد (۱۷). پرسشنامه دارای ۴۷ سؤال و دوازده خرده‌مقیاس است که شامل پاسخ قراردادی، رضایت زناشویی، مسائل شخصیتی، ارتباط زناشویی، حل تعارض، نظارت مالی، فعالیت‌های مربوط به اوقات فراغت، روابط جنسی، روابط خانوادگی، روابط عاطفی، نقش‌های مساوات‌طلبی و جهت‌گیری عقیدتی می‌شود. در این پژوهش، سه خرده‌مقیاس روابط جنسی و روابط خانوادگی و روابط عاطفی سنجیده شد. این ابزار به‌صورت پنج‌گزینه‌ای که در اصل، نگرش‌سنجی از نوع لیکرت بوده، در نظر گرفته شده است؛ یعنی به‌صورت کاملاً موافق، موافق، نه موافق و نه مخالف، مخالف و کاملاً مخالف که به هریک از یک تا پنج امتیاز داده می‌شود (۱۷). ضریب آلفای پرسشنامه انریچ در گزارش اولسون و همکاران، برای خرده‌مقیاس‌های تحریف آرمانی، رضایت زناشویی، مسائل شخصیتی، ارتباط، حل تعارض، مدیریت مالی، فعالیت‌های اوقات فراغت، روابط جنسی، روابط خانوادگی، روابط عاطفی و نقش‌های مساوات‌طلبی به‌ترتیب برابر با ۰/۹۵، ۰/۸۱، ۰/۷۳، ۰/۶۸،

^۲. Difficulties in emotion regulation scale

^۱. ENRICH Marital Satisfaction Scale

	ایجاد هیجانات و رفتار، ارائه تکلیف منزل.
سوم	آشنایی بیشتر با طرحواره‌ها و تحریف‌های شناختی، تأثیر طرحواره‌ها بر رفتار (تداوم طرحواره، اجتناب از برانگیخته‌شدن طرحواره‌ها، جبران طرحواره)، توضیح درباره تحریف‌های شناختی (ذهن‌خوانی، پیش‌گویی، فاجعه‌سازی، برجسب‌زدن، نادیده‌گرفتن جنبه‌های مثبت، فیلتر منفی، تعمیم افراطی و...)، ارائه تکلیف.
چهارم	آموزش تکنیک‌های رایج در ارزیابی و چالش با افکار بررسی تکلیف، توضیح درباره تکنیک تعریف واژه‌ها، تکنیک تحلیل مزایا و معایب، تکنیک بررسی شواهد، تکنیک پیکان رو به پایین، ارائه تکلیف.
پنجم	بررسی شناخت‌های مرتبط با ناسازگاری زناشویی، شناخت مفروضه‌ها، شناخت معیارهای ذهنی، بررسی باورها و استانداردهای (معیارهای ذهنی) ناکارآمد در روابط زوجی، بررسی نتایج یک‌پژوهش در این زمینه، ارائه تکلیف.
ششم	بررسی باورهای ارتباطی غلط و زیرسؤال‌بردن آن‌ها، تمرین گروهی تصحیح باورهای غیرمنطقی، توضیح بایداندیشی، تکنیک چالش با تفکر بایداندیشی؛ قسمت دوم آموزش: آموزش شناختی جهت مداخله در باورهای ارتباطی، ارائه تکلیف مرتبط.
هفتم	بررسی انتظارات بر رضایت زناشویی، بررسی خاستگاه انتظارات (خانواده اصلی یا مبدأ، روند اجتماعی‌شدن، ساختار فرصت‌ها، تأثیر فرهنگ)، تبیین حیطه‌های انتظارات در زندگی زناشویی، شامل انتظار از همسر به‌عنوان دوست و حامی، انتظار از زندگی زناشویی و انتظار از رابطه ایده‌آل؛ تصحیح انتظارات و باورهای ناکارآمد، ارائه تکلیف مرتبط.
هشتم	تأثیر اسناد بر رضایت زناشویی، بررسی اسناد علی و اسناد مسئولیت، بررسی اسناد غلط درباره همسر، تکنیک زیرسؤال‌بردن برجسب (اسناد)، تکنیک معیارهای دوگانه، ارائه تکلیف منزل در رابطه با دو تکنیک مذکور.
نهم	آشنایی با مفهوم توجه انتخابی، تأثیر توجه انتخابی بر روابط زوجین، چگونگی زیرسؤال‌بردن توجه انتخابی (تحلیل مزایا و معایب، تکنیک معیارهای دوگانه)، بررسی نادیده‌گرفتن جنبه‌های مثبت و تکنیک‌های مرتبط با آن، ارائه تکلیف.
دهم	آشنایی با تکنیک‌های القای حالت خلقی و افکار جایگزین، تکنیک راه‌حل‌آفرینی سازنده (جهت تنظیم هیجانات)، جمع‌بندی جلسات گذشته و برگزاری پس‌آزمون.

۳ یافته‌ها

میانگین (انحراف معیار) سن گروه آزمایش، ۳۶/۷ (۸/۷) و گروه گواه ۳۵/۵ (۸/۸) بود. قبل از اجرای تحلیل کوواریانس، جهت بررسی رعایت پیش‌فرض‌های لازم از آزمون‌های شاپیرو-ویلکز و لون استفاده شد. آزمون شاپیرو-ویلکز برای توزیع متغیرهای پژوهش در دو مرحله

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی متغیرهای مشکلات تنظیم هیجان و رضایت زناشویی در مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون به‌تفکیک دو گروه آزمایش و گواه به‌همراه نتایج آنالیز کوواریانس

متغیر	گروه	پیش‌آزمون		پس‌آزمون		مقایسه پس‌آزمون	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	مقدار p
روابط جنسی	آزمایش	۲۰۰/۰۵	۲۹/۲۲	۲۵۸/۹۰	۳۳/۵۷	۳۳/۱۸	<۰/۰۰۱
	گواه	۲۰۴/۷۰	۲۳/۰۷	۲۰۶/۶۸	۲۴/۱۸		
روابط عاطفی	آزمایش	۲۲۲/۸۵	۳۱/۹۵	۲۳۹/۵۰	۲۷/۸۱	۱۲/۲۱	<۰/۰۰۱
	گواه	۲۳۹/۶۵	۱۶/۷۹	۲۴۱/۳۵	۱۶/۵۶		
روابط خانوادگی	آزمایش	۲۷۵/۹۰	۲۲/۵۰	۲۴۲/۴۵	۲۱/۷۲	۱۸/۳۵	<۰/۰۰۱
	گواه	۲۷۴/۴۰	۱۶/۵۶	۲۷۲/۶۵	۱۶/۷۹		
نمره کل رضایت زناشویی	آزمایش	۲۳۲/۹۳	۴۲/۳۵	۲۴۶/۹۵	۲۸/۹۵	۱۵/۵۹	<۰/۰۰۱
	گواه	۲۳۹/۵۸	۳۴/۲۶	۲۴۰/۱۱	۳۳/۰۵		
کنترل هیجان	آزمایش	۲۷/۹۴	۳/۷۹	۳۶/۰۵	۷/۳۸	۲۰/۴۶	<۰/۰۰۱
	گواه	۲۸/۱۰	۵/۴۳	۲۹/۵۳	۵/۷۴		
هیجان مثبت	آزمایش	۲۴/۳۷	۶/۵۴	۳۸/۹۵	۴/۹۱	۳۷/۱۹	<۰/۰۰۱
	گواه	۲۵/۳۵	۵/۸۳	۲۱/۱۵	۲/۸۷		
هیجان منفی	آزمایش	۲۱/۰۵	۲/۴۵	۳۹/۱۰	۴/۶۲	۳۶/۵۳	<۰/۰۰۱
	گواه	۲۱/۱۵	۲/۸۷	۲۲/۰۶	۵/۷۳		
نمره کل تنظیم هیجان	آزمایش	۲۴/۴۰	۵/۲۳	۳۸/۰۳	۵/۸۴	۳۱/۳۰	<۰/۰۰۱
	گواه	۲۴/۸۶	۵/۶۰	۲۵/۳۹	۵/۴۲		

نتایج آزمون لون مشخص کرد که فرض همگنی واریانس‌ها پذیرفته می‌شود. بررسی همگنی شیب‌های رگرسیون نیز نشان داد که پیش‌فرض

شناختی رفتاری بر تعارض و دلزدگی زناشویی زوجین، همسوست (۱۶، ۱۵).

در تبیین این یافته می‌توان گفت معمولاً زوج‌هایی که باورها و انتظارات غیرواقع‌گرایانه‌ای را برای زندگی زناشویی خود دارند، در پذیرش رفتارهای نامناسب همسر دچار مشکل می‌شوند و با طرد و خصومت و به‌گونه‌ای منفی پاسخ می‌دهند. همچنین تحقیقات نشان می‌دهد که انتظارات غیرواقع‌گرایانه به رضایت‌مندی کمتر زندگی زناشویی بعدی منجر می‌شود (۱۷). آموزش درمان شناختی باعث بهبود جهت‌گیری کلی افراد و احساس اعتماد و پویایی مداوم و نیز فراگیر در زندگی و پیرامون می‌گردد؛ به‌طوری‌که به زوجین کمک می‌کند تا هیجان‌های خود را دقیق‌تر تشخیص دهند و سپس هر هیجانی را بدون ناتوان شدن با آن بررسی نمایند؛ همچنین بدون داشتن رفتاری مخرب و ناسازگارانه، زندگی را سازمان‌یافته‌تر و پیش‌بینی‌شدنی‌تر و توضیح‌پذیرتر درک کنند. به‌عبارتی بهره‌مندی از درمان شناختی، زوجین ناسازگار را قادر می‌سازد که ضمن درک هیجانات و احساسات متقابل همدیگر و پذیرش مشکلات و ناکارآمدی‌ها، زندگی مشترک را درک‌شدنی و کنترل‌پذیر و پرمعنا تصور کنند (۱۸).

ازجمله محدودیت‌های پژوهش حاضر این بود که به‌علت محدودیت زمانی و دسترسی‌نداشتن به مراجعان، امکان اجرای دوره پیگیری وجود نداشت. داوطلبانه بودن شرکت‌کنندگان مطالعه‌شده ممکن است که نتایج حاصل از تحلیل آماری را تحت تأثیر قرار داده باشد. پیشنهاد می‌شود مطالعات کنترل‌شده بیشتری درباره میزان اثربخشی درمان شناختی رفتاری برای سایر متغیرها مانند افسردگی، سلامت روان، انسجام خانوادگی و... انجام پذیرد. باتوجه به تأثیر درمان شناختی رفتاری بر رضایت‌مندی زناشویی توصیه می‌شود مراکز مشاوره به‌منظور افزایش رضایت‌مندی زناشویی، طبقه‌بندی ارزش‌ها و پی‌بردن به میزان اهمیت رابطه زناشویی و درنهایت تقویت رابطه با همسر را آموزش دهند. همچنین باتوجه به تأثیر درمان شناختی رفتاری بر رضایت‌مندی و صمیمیت جنسی زوجین پیشنهاد می‌شود این روش درمانی بیش از پیش مدنظر درمانگران و مراکز مشاوره قرار گیرد.

۵ نتیجه‌گیری

مطالعه نشان داد که شناخت درمانی باعث افزایش رضایت زناشویی و تنظیم هیجان و مؤلفه‌های آن در زنان دارای ناسازگاری زناشویی می‌شود؛ بنابراین می‌توان از رویکرد درمان شناختی درجهت افزایش تنظیم هیجانی و رضایت زناشویی در بین زوجین و افراد دارای ناسازگاری زناشویی در مراکز مشاوره و روان‌درمانی استفاده کرد. باتوجه به تأثیر درمان شناختی بر رضایت‌مندی زناشویی پیشنهاد می‌شود مراکز مشاوره به‌منظور افزایش رضایت‌مندی زناشویی، طبقه‌بندی ارزش‌ها و پی‌بردن به میزان اهمیت رابطه زناشویی و درنهایت تقویت رابطه با همسر را آموزش دهند.

۶ تشکر و قدردانی

از تمامی افرادی که در این پژوهش ما را یاری رساندند، نهایت تشکر و قدردانی می‌شود.

همگنی شیب‌های رگرسیون برقرار است؛ بنابراین پیش‌فرض‌های لازم جهت اجرای تحلیل کوواریانس چندمتغیره وجود دارد. در جدول ۲، شاخص‌های توصیفی به‌همراه نتایج آنالیز کوواریانس اشاره شده است. به‌منظور مقایسه دو گروه آزمایش و گواه در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون، از تحلیل کوواریانس استفاده شد. یافته‌های جدول ۲ نشان داد که میانگین نمرات نگرانی از تنظیم هیجان و رضایت زناشویی در مرحله پس‌آزمون بعد از کنترل نمرات پیش‌آزمون در دو گروه معنادار است؛ بدین معنا که آموزش درمان شناختی در افزایش رضایت زناشویی ($p < 0/001$) و بهبود تنظیم هیجان ($p < 0/001$) مؤثر بوده است. ضریب تأثیر رضایت زناشویی و تنظیم هیجان به‌ترتیب ۲۵ درصد و ۳۳ درصد به‌دست آمد.

۴ بحث

پژوهش حاضر با هدف تعیین اثربخشی شناخت درمانی بر مشکلات تنظیم هیجانی و رضایت زناشویی بانوان در دهه اول زندگی، صورت گرفت. نتایج نشان داد شناخت درمانی بر مشکلات تنظیم هیجانی بانوان در دهه اول زندگی مؤثر است. این یافته با نتایج پژوهش شوشتری و همکاران مبنی بر تأثیر درمان شناختی رفتاری گروهی بر تنظیم هیجان و باورهای فراشناختی و نشخوار فکری زنان مطلقه و با نتایج پژوهش گل‌دین و همکاران مبنی بر تأثیر درمان شناختی رفتاری در بهبود تنظیم هیجانی و اضطراب اجتماعی، همسوست (۱۴، ۱۳).

در تبیین این یافته می‌توان گفت افزایش روزافزون مشکلات و نارضایتی و ناسازگاری زناشویی، اهمیت توجه بر روابط زوجین را برجسته می‌سازد. بررسی برداشت‌های ذهنی، باورها، تفکرات، انتظارات و اعتقادات فرد و تأثیر آن بر رفتارهای روزمره حائز اهمیت است. درواقع باورهای غیرمنطقی علت اصلی اختلافات در روابط اجتماعی به‌ویژه در روابط زوجین به‌شمار می‌رود (۱۴). شواهد بسیاری نشانگر این واقعیت است که مکانیزم‌های شناختی بر سازگاری و رضایت زناشویی تأثیر می‌گذارد. به همین دلیل زندگی زناشویی از گزند باورهای غیرمنطقی مصون نمی‌ماند. طبق رویکرد شناختی عوامل مؤثر بر ازدواج و ساختار آن عبارت است از: شخصیت زوجین در ازدواج؛ سبک‌های دل‌بستگی؛ همانندی و همسانی نیازها؛ نگرش‌های ناکارآمد؛ انتظارات غیرمنطقی از ازدواج؛ باورهای غیرمنطقی از یکدیگر (۱۵). نظریه بنیادی درمان شناختی بر این باور است که برای آگاه‌شدن از ماهیت واقعه‌ای هیجانی یا آشفتنی، تمرکزکردن روی محتوای شناختی واکنش افراد به رویدادهای ناراحت‌کننده و آزاددهنده یا جریان فکر ضرورت دارد؛ لذا هدف درمان شناختی تغییر نحوه فکرکردن مراجعان است. باورها، معیارها، انتظارات و نگرش‌های غیرمنطقی درباره ازدواج و زندگی زناشویی منشأ ایجاد ناسازگاری زوجین است و رضایت آنان را به مخاطره می‌اندازد؛ بنابراین اصلاح باورها و سایر متغیرهای یادشده می‌تواند به بهبود رابطه زوجین کمک کند (۱۶).

همچنین نتایج نشان داد که شناخت درمانی بر رضایت زناشویی بانوان در دهه اول زندگی مؤثر است. این یافته با نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش قوامی و همکاران مبنی بر تأثیر درمان شناختی رفتاری بر رضایت زناشویی زنان حامله با ترس از تولد فرزند و همچنین نتیجه پژوهش شکرالله‌زاده و همکاران مبنی بر تأثیر رویکرد زوج درمانی

نویسندگان اعلام می‌کنند تضاد منافعی بین آن‌ها وجود ندارد. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه رساله دکتری روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه است. همچنین مجوز اجرای این پژوهش بر گروه مطالعه‌شده از مراکز مشاوره و خدمات روان‌شناختی شهر اندیشه با شماره نامه ۲۵ صادر شده است.

References

- Gadassi R, Bar-Nahum LE, Newhouse S, Anderson R, Heiman JR, Rafaeli E, et al. Perceived partner responsiveness mediates the association between sexual and marital satisfaction: A daily diary study in newlywed couples. *Arch Sex Behav*. 2016;45(1):109–20. doi: [10.1007/s10508-014-0448-2](https://doi.org/10.1007/s10508-014-0448-2)
- Lavner JA, Karney BR, Bradbury TN. Does couples' communication predict marital satisfaction, or does marital satisfaction predict communication? *J Marriage Fam*. 2016;78(3):680–94. doi: [10.1111/jomf.12301](https://doi.org/10.1111/jomf.12301)
- Schoenfeld EA, Loving TJ, Pope MT, Huston TL, Štulhofer A. Does sex really matter? Examining the connections between spouses' nonsexual behaviors, sexual frequency, sexual satisfaction, and marital satisfaction. *Arch Sex Behav*. 2017;46(2):489–501. doi: [10.1007/s10508-015-0672-4](https://doi.org/10.1007/s10508-015-0672-4)
- Jackson GL, Krull JL, Bradbury TN, Karney BR. Household income and trajectories of marital satisfaction in early marriage. *J Marriage Fam*. 2017;79(3):690–704. doi: [10.1111/jomf.12394](https://doi.org/10.1111/jomf.12394)
- Lavner JA, Weiss B, Miller JD, Karney BR. Personality change among newlyweds: patterns, predictors, and associations with marital satisfaction over time. *Dev Psychol*. 2018;54(6):1172–85. doi: [10.1037/dev0000491](https://doi.org/10.1037/dev0000491)
- Williamson HC, Lavner JA. Trajectories of marital satisfaction in diverse newlywed couples. *Soc Psy Pers Sci*. 2020;11(5):597–604. doi: [10.1177/1948550619865056](https://doi.org/10.1177/1948550619865056)
- McNulty JK, Wenner CA, Fisher TD. Longitudinal associations among relationship satisfaction, sexual satisfaction, and frequency of sex in early marriage. *Arch Sex Behav*. 2016;45(1):85–97. doi: [10.1007/s10508-014-0444-6](https://doi.org/10.1007/s10508-014-0444-6)
- Liu S, Wang Z, Lu S, Shi J. Dyadic analysis of childhood emotional maltreatment and marital satisfaction during the transition to parenthood: The mediating effects of emotion regulation strategies and psychological distress. *Journal of Aggression, Maltreatment & Trauma*. 2019;28(10):1216–31. doi: [10.1080/10926771.2018.1466381](https://doi.org/10.1080/10926771.2018.1466381)
- Mazzuca S, Kafetsios K, Livi S, Presaghi F. Emotion regulation and satisfaction in long-term marital relationships: The role of emotional contagion. *Journal of Social and Personal Relationships*. 2019;36(9):2880–95. doi: [10.1177/0265407518804452](https://doi.org/10.1177/0265407518804452)
- Azizi A. Regulation of emotional, marital satisfaction and marital lifestyle of fertile and infertile. *Review of European Studies*. 2018;10(1):14. doi: [10.5539/res.v10n1p14](https://doi.org/10.5539/res.v10n1p14)
- Omid A, Talighi E. Prediction couple's marital satisfaction based on emotion regulation. *International Journal of Educational and Psychological Researches*. 2017;3(3):157. doi: [10.4103/2395-2296.204120](https://doi.org/10.4103/2395-2296.204120)
- Karimi B, Khalatbari J, Reza Ostovar J. Comparison of the effectiveness of cognitive-behavioral intervention with Logo therapy on marital burnout, marital satisfaction and marital intimacy. *Family Pathology, Counseling and Enrichment Journal*. 2018;3(2):81–102. [Persian] <http://fpcej.ir/article-1-146-en.pdf>
- Shooshtari A, Rezaee A, Taheri E. The effectiveness of cognitive-behavioral group therapy on divorced women's emotional regulation, meta-cognitive beliefs, and rumination. *Journal of Fundamentals of Mental Health*. 2016;18(6):321–8. [Persian] doi: [10.22038/jfmh.2016.7792](https://doi.org/10.22038/jfmh.2016.7792)
- Goldin PR, Lee I, Ziv M, Jazaieri H, Heimberg RG, Gross JJ. Trajectories of change in emotion regulation and social anxiety during cognitive-behavioral therapy for social anxiety disorder. *Behav Res Ther*. 2014;56:7–15. doi: [10.1016/j.brat.2014.02.005](https://doi.org/10.1016/j.brat.2014.02.005)
- Ghavami BA, Ghanbari Hashem Abad BA, Saffarian MR, Khakpour M. Effect of group cognitive behavioral therapy on inefficient beliefs and marital satisfaction in pregnant women with the fear of first childbirth. *Journal of Research and Health*. 2020;10(1):11–8. [Persian] doi: [10.32598/JRH.10.1.11](https://doi.org/10.32598/JRH.10.1.11)
- Shokrollahzadeh M, Forouzes M, Bazrafshan M, Hosseini H. The effect of cognitive behavioral couple therapy on marital conflicts and marital burnout. *Family Pathology, Counseling and Enrichment Journal*. 2017;3(1):115–31. [Persian] <http://fpcej.ir/article-1-148-en.pdf>
- Fowers BJ, Olson DH. ENRICH marital satisfaction scale: A brief research and clinical tool. *Journal of Family Psychology*. 1993;7(2):176–85. doi: [10.1037/0893-3200.7.2.176](https://doi.org/10.1037/0893-3200.7.2.176)
- Ziaee T, Jannati Y, Mobasheri E, Taghavi T, Abdollahi H, Modanloo M, et al. The relationship between marital and sexual satisfaction among married women employees at Golestan University of medical sciences, Iran. *Iran J Psychiatry Behav Sci*. 2014;8(2):44–51.
- Gratz KL, Roemer L. Multidimensional assessment of emotion regulation and dysregulation: development, factor structure, and initial validation of the difficulties in emotion regulation scale. *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment*. 2004;26(1):41–54. doi: [10.1023/B:JOBA.0000007455.08539.94](https://doi.org/10.1023/B:JOBA.0000007455.08539.94)

20. Mazaheri M. Psychometric properties of the Persian Version of the Difficulties in Emotion Regulation Scale) DERS-6 & DERS-5- Revised (in an Iranian Clinical Sample. Iran J Psychiatry. 2015;10(2):115–22.
21. Stewart RE, Chambless DL. Cognitive-behavioral therapy for adult anxiety disorders in clinical practice: a meta-analysis of effectiveness studies. J Consult Clin Psychol. 2009;77(4):595–606. doi: [10.1037/a0016032](https://doi.org/10.1037/a0016032)